چالش های نظام سازی های ناموجه با تکیه بر عمومات و اطلاقات قرآنی[[1]](#footnote-1)

*رحیم نوبهار- پژوهشگر حوزوی و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق- دانشگاه شهید بهشتی*

در باره دامنه روایی استناد به قرآن مجید برای اثبات احکام شرعی از دیرباز مناقشاتی در میان قرآن پژوهان و فقیهان مطرح بوده است. برخی از اخباری ها با استناد به این اصل هرمنوتیکی که فهم دقیق قرآن تنها برای مخاطبان آن یعنی پیامبر(ص) و معصومان(ع) امکان پذیر است ذهن و اندیشه ای جز این ذوات مقدس را از ساحت فهم آموزه های فقهی قرآن دور دانسته اند. پاره ای دیگر از اخباریان نیز با تکیه بر ابهام و اجمال آیات ناظر به بیان احکام تلاش کرده اند در استنباط احکام شرعی بیشتر بر روایات تکیه کنند که به نظر آنان دلالت روشن تری دارند، تا آیات قرآن مجید. در جانب مقابل برخی از دانشمندان اصولی دایره استناد به قرآن مجید برای فهم احکام فقهی را چندان گسترده اند که در عمل با تکیه بر عمومات و اطلاقات قرآنی به نظام سازی حقوقی روی می آورند. در این رویکرد با استناد به آیاتی مانند: "احل الله البیع" و "یا ایهاالذین آمنوا اوفوا بالعقود" نظامی از حقوق قراردادها طراحی می شود و ریز و درشت حقوق قراردادها با تکیه بر عموم و اطلاق این گونه ادله  سامان دهی می شود. به همین ترتیب آنان با تکیه بر چند آیه ناظر به بیان جرایم و مجازات ها نظامی کیفری طراحی می کنند. در حوزه هایی مانند نظام حقوق خانواده و حتی اقتصاد نیز مطلب به همین قرار است. اوج این نگاه به قرآن مجید چه بسا در نظریه خطاب های قانونی امام خمینی -رحمه الله- جلوه گر شده است. در این نگرش قرآن مجید و دیگر متون مقدس همچون متنی قانونی قلمداد می شود  که می توان آن را مانند قانون تفسیر و تعبیر کرد. می توان رویکرد استناد گسترده به قرآن مجید در زمینه احکام فقهی را به چالش کشید و پرسید: آیا آیات الاحکام قرآن مجید در مقام نظام سازی بوده اند یا بیشتر ناظر به بیان کلیات و چارچوب های اصلی بوده­اند؟ پیداست که نفی موقعیت نظام سازی و تناظر آیات قرآن مجید به بیان کلیات اخلاقی و یا فقهی، موقعیت بیانی قرآن مجید را تغییر می دهد و بنا بر این اگرچه قرآن مجید همچنان مرجع و محور استنباط احکام شریعت خواهد بود اما نوع استنباط از آیات متفاوت خواهد بود. به همین ترتیب می توان نظریه خطاب های قانونی را به چالش کشید و پرسید: آیا تعامل با آیات الاحکام قرآن مجید همچون متون قانونی و متناسب با مفهوم قانون به معنای مدرن آن صحیح است؟ این واقعیت که آموزه های فقهی قرآن مجید در فضایی شکل گرفته اند که مفهوم قانون به معنای امروزی آن اصولا وجود نداشته است همسانی آیات الاحکام با متون قانونی به معنای مدرن آن را نفی می کند. برای اثبات نظریه خطاب های قانونی اغلب استدلال می شود که بنا و سیره شارع همچون بنای عقلا در قانونگذاری است. وقتی قانون به معنای مدرن آن از بناهای عقلایی نوپیداست چگونه شارع می توانست در فضای نزول قرآن بنایی را ملاک عمل قرار دهد که قرن ها بعد شکل گرفته است؟

واژه های کلیدی: فقه القرآن، آیات الاحکام، خطاب های قانونی، عمومات قرآنی، اطلاقات قرآنی، نظام سازی.

1. . خلاصه سخنرانی در انجمن مباحثات قرآنی، قم، 28مهر 1397 ش. [↑](#footnote-ref-1)